

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

ن
بر مبنای رصین و اساس محکم و استوار «قرآن و عرفان و برهان
از هم جدائی ندارند»؛ و اینکه «علم و عمل فوق جوهر و انسان
سازند»؛ و نیز «العلم امام العمل»؛ و هكذا «صحف حکمی
و کتب نوریه عرفانیه تفاسیر انفسی قرآن کریم، و برهان لسانی
صدق فرقان است» و نیز کلام، فلسفه مشائین و اراقیون
و اشراقیون و عرفان حقیقی و تصوف و حکمت متعالیه
و قرآن کریم در طول همد که قرآن الهی، کتاب کامل انسان
ساز، اعلیٰ الکتب و وحی بعنوان «وحی تام و کشف اتم
محمدی صلی الله علیه و علی آله و سلم» است که علم ذاتی مطلق
حق متعال در آن تجلی نموده است؛ و اینکه عارف کامل
و اصل و متصرف در ماده کائنات که مبین حقایق اسماء
تکوینی و تدوینی و مفسر حقیقی قرآن فرقان و فیلسوف
کامل و صوفی واقعی، است همان انسان کامل معصوم است
که در عصر محمدی - ص - ذوات نوریه ائمه طاهرین ^{علیهم السلام}
هستند که خاتم الاولیاء علی الاطلاق قائم آل محمد - عجل الله تعالی

سر مستوع و مستتر و مستتر ائمه و شيعه است ، و نیز
 معرفت رب و معرفت نفس دو اصل و محور علوم و معارف
 حقه الهیه اند ؛ عرایضی در نحوه سیر علمی و عملی تقدیم می گردد.

مقدمه

۱- تعریف تصوف از دیدگاه شیخ بهائی «ابوالفضائل» در کتاب
 کشکول (ج ۵) : «التصوف علمٌ يبحث فيه عن الذات الاحدية
 و اسمائه و صفاته من حيث إنها موصولة لكل من مظاهرها
 و منسوباتها إلى الذات الإلهية ؛ فموضوعه الذات الاحدية
 و نفوتها الأزلية و صفاتها السمردية ؛ و مسائله :
 كيفية صدور الكثرة عنها و رجوعها اليها و بيان مظاهر
 الأسماء الآلهية و النفوت الربانية ، و كيفية رجوع أهل الله
 تعالى إليه سبحانه ؛ و كيفية سلوكهم و مجاهداتهم و
 رياضاتهم ، و بيان نتيجة كل من الأعمال و الأذكار
 في دار الدنيا و الآخرة على وجه ثابت في نفس الأمر ؛
 و مبادیه : معرفة حده و غايته و اصطلاحات القوم فيه»
 ترجمه : تصوف علمی است که در آن از ذات احديه و اسماء

و صفاتش از آن حیث که رساننده مظاهر و منسوباتش^ن به ذات اویند
 بحث می کند. پس موضوع تصوف ذات احدی و نفوت ازلی و
 صفات سرمدی حق است؛ و مسائل تصوف، نحوه صدور
 کثرت از ذات احدی و نحوه رجوع کثرت به ذات، و بیان
 مظاهر اسمای الهی و نفوت ربانی، و کیفیت رجوع اهل الله،
 و نحوه سلوک و مجاهدات و ریاضاتشان، و بیان نتیجه
 هر یک از اعمال و اذکار در دنیا و آخرت بر وجه ثابت در
 نفس امر است؛ و مباری تصوف، شناخت حد و تعریف
 و غایت آن، و اصطلاحات قوم^{علم} در این دانستن است.

۲۱- تعریف عرفان از حضرت علامه حسن زاده آملی در فصل
 دوم رساله «دانشان در عرف عرفان»:

«مراد از عرفان ... عرفان به توحید صمدی است، بدین
 نظر که توحید صمدی کمال سیر علمی و غایت قصوای
 عارف بالله است ... بدان که عرفان اصیل انسان ساز،
 منطق وحی به نام قرآن کریم است ... و آنچه را که امامان
 معصوم در بیان این امر فرموده اند در واقع همه آنها تفسیر
 انفسی قرآن کریم اند ... اگر خواستی رجوع بنما»

« الفلسفة هي التشبه بالإله بقدر الطاقة البشرية » جناب صدر المتألهين در بیان آن گوید: «مفاد این تعریف آنست که کسی که علوم او حقیقی، و ساخته های او محکم، و اعمال او صالح، و اخلاق وی نیکو، و آرای او صحیح، و فیضش بر غیر دائمی باشد، قرب او به الله و تشبه او به خدا بیشتر است» نقل به ترجمه.

در حقیقت فلسفه همان معرفت انسان خودش را هست که در سیر صعودی، عالم عقلی مضاهی عالم عینی گردد که در نهایت با صادر اول اتحاد و جوری یابد بلکه فانی در او و باقی به او شود که در نهایت، قرب به توحید صمدی قرآنی هو الأول و الآخر و الظاهر و الباطن، غایت قصوای آنست

تعمیر

۴- علوم ظاهر برای تعمیر ظاهر در عالم ظاهر، و علوم باطن برای باطن است.

علم کلام و فقه :

۵- اگر علوم ظاهر به عقاید تعلق گیرد « علم کلام » گویند، و اگر به افعال تعلق گیرد « علم فقه » نامند، که فقه و شرع انور اقدس یعنی تشریعیات از متن تلوینیات برمی خیزد که فقه مقدمه تهذیب اخلاق و اخلاق مقدمه توحید یعنی قربیه الی الله است که برای هر

سالك الى الله ضرورى است تا به واسطه آن تهذيب و تجليه نمايد.
لذا فقهاى عظيم الشأن مشاعر ظاهرى انسان و حكما و عرفاى
اهل الله بمنزله مشاعر باطنى انسانند.

۶- ضرورت داشتن استاد :

در علوم ظاهرى داشتن مرجع تقليد در احكام شرعيه و به كار بستن
آن ضرورى است بر آن كس كه به فقه استدلالى آگاهى ندارد، و
در علوم باطنى و تعمير باطنى براى اكثرى نفوس كه مكتمل نيستند
داشتن استاد متشرع كتمل طى كرده با شرائط خاصش ضرورى
و لازم است. و تعمير باطن در نزد استاد به تخليه و تحليه و فناست
بحث مبسوط اين مقدمه را در رساله اى جداگانه بايد طلب نمود.

برنامه درسى محصلين علوم دينى :

از بيان استاد اعظم و معلم عصر، عالم جامع ذوفنون ربانى و
فقيه صمدانى و متاله عارف به اسرار قرآنى علامه دوران حسن زاده
آملى دامت معاليه كه جمع بين مراتب عاليه علمى در معقول و منقول
و مقامات و فتوحات معنوى و روحى نموده است؛ بشنو و
گوش جان بسپار : « بسيار خوب است كه اول علوم ظاهر

را بگذرانند سپس به علوم باطن برسند ، اول معانی را تحکیم
نمایند و مراحل را طی نمایند در مثل ادبیات از صرف ، نحو ،
معانی ، بیان ، بدیع ، و فقه و اصول و تفسیر و حدیث و رجال
و درایه و تجوید و امثال آن از علوم ظاهر و دانش فکری کنند تا
آمادگی برای علوم باطن پیدا شود که از ظاهر به باطن سفر
بفرمایند . لذا ابتداءً به دنیال علوم باطن بیایند مشکل
است . اساتید ما از استادشان مرحوم حاج سید علی آقای
قاضی نقل می کردند که درسیهای او در سطح عالی بود . او در
عمومی نداشت و هر کسی را هم در درس خصوصی نمی پذیرفت بلکه
در جلسات خصوصی خود کسانی را که در علوم ظاهر مجتهد و یا
قریب الاجتهاد بودند را می پذیرفت . ره چنان رو که ره روان
رفتند .» . انتهى .

آغاز علوم باطن بعد از علوم ظاهر و انجام آن :

درس حوزوی از کلام و فلسفه و منطق :

۱- منطق : منطق مظفر و منطق منظومه و شرح آن

۲- کلام : کشف المراد علامه حلی بخصوص بحث امامت .

٣- دروس فلسفی :

١- بداية الحكمة

٢- نهاية الحكمة

٣- شرح منظومه قسمت حکمت

٤- نفس شفا

٥- الهيات شفا

٦- شرح اشارات

٧- حكمة الاشراف

٨- حکمت متعالیه یعنی اسفار اربعه

صحف نوريه عرفاني

١- تمهيد القواعد ابن ترکه

٢- شرح فصوص الحكم از محقق قيصري

٣- مصباح الانس ابن فناري

٤- فتوحات مكيه شيخ الكبر

نکته ای از مولای مکرم در مفاتيح الاسرار یعنی تعليقا بر اسفار ج ٢

« ولعمري من اعتزل عن الكتب العقلية والصحف العرفانية

ما أهدتها الأيادي النورية كتمهيد القواعد وشرح القيصري

على فصوص الحكم ، وشرح العيون في شرح العيون ، ومصباح

الانس وشرح المحقق الطوسي على الاشارات ، والأسفار

والشفاء والفتوحات المکیّة ، فقد عزل نفسه عن فهم
الخطاب المحمدي - ص - وحرّمها من النيل بسعادتها
القصوى « انتهى .

اما سلسلة دروس کتب نوریہ حضرت علامہ حسن زانہ آملی

۱- دروس معرفت نفس ۳- اتحاد عاقل بمعقول

۲- گنجینه گوهر روان ۴- شرح العیون فی شرح العیون

۵- ممد الهمم فی شرح فصوص الحکم .

در هیئت و نجوم : ۱- دروس هیئت و دیگر رشته های ریاضی

۲- دروس معرفت وقت و قبله .. و کتب عالیہ دیگر .

در علم اخلاق عرفانی و قرآنی :

۱- مفتاح الفلاح ۲- عدۃ الداعی ۳- قوت القلوب

۴- اقبال ۵- صحیفه کامله سجاریه .

اما از استاد ما : ۱- رساله زبرجدیه ۲- نور علی نور در ذکر

و ذاکر و مذکور ۳- انسان در عرف عرفان ۴- نامه ها بر نامه ها

نکته :

محصلین علوم الهی باید بدانند که نفس سیر علمی مذکور در تترد استادی
که حاذق و چشیده باشد و القای سبوحی داشته باشد بعنوان بهترین

مرحله سیر و سلوک علمی و در صورت قصد قربت به حقیقت الحقایق از عبارات و ریاضات الهیه محسوب می‌گردد. البته به سیر علمی و ریاضت شرعی تن در دادن و جدول وجودی خویش را بر اساس دستورات اقوام قرآنی و کلمات نوریه ذوات انور معصومین اعم از احادیث در جوامع روایی و با احادیث برزخیه، باز نمودن نور علی نور خواهد بود که رساله نور علی نور و نامه‌ها برنامه‌ها برای این مطلب عظیم گویا و رساناست.

در همه عمر شریفان از سه اصل اساسی الهی غافل نشوید :

۱- اصل آنست :

۱- انجام واجبات شرعیه بر طبق شرائط و ضوابط شریعت مطهره که در کتب فقهیه و رساله عملیه مرجع و مجتهد اعلم مضبوط است

۲- ترك محرمات بدان نحو مذکور

۳- کسب حلال بدان نحو که شرع انور امضا نمود

بدان که « دین خدا ناموس خداست پناه خدا تجاوز نکنید » و این دین و بخصوص شرع مقدس حداقل دستور العمل انسانسازی است که هیچگاه انسان را در این عالم عنصری رها نمی‌کند لذا عارف و صوفی حقیقی در مسیر دستورات شرعی حضرت محمد و آل محمد - ص - متشرع حقیقی است.

آداب سائر و سالک الی الله :

در کتاب نامه‌ها برنامه ص ۲۳ فرمودند :

« سخنی چند در آداب سائر الی الله بیاوریم ... » ۱- قرآن که صورت کتبی

انسان کامل اعنی حقیقت محمدیه است . پس برتوباد به تلاوت قرآن .

۲- آیه عباد الرحمن ، آخر سوره فرقان تا آخر سوره ، هر یک دستور العمل کاملی است
 ۳- هرگاه مبطل و ضو حادث شد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز و بعد از آن حاجت بخواند که استجابت می گردد بدن نخوی که در حدیث قدسی منقول از ارشاد القلوب دلیلی نقل شده است .

۴- اسراف نکردن در طعام و شراب و از فضول آن اجتناب نمودن که فضول طعام قلب را می میراند و نفس را به سرکشی و طغیان می کشاند . و از اجل خصال مؤمن ، جوع است .

نه چندان بخور که زدهانت برآید نه چندان که از ضعف جاننت برآید
 ۵- پرهیز از فضول کلام که قلب را قاسی می کند

۶- محاسبت نفس

۷- مراقبت که عمده همین است و کلیده همه سعادات و لذات عقلیه و شهوور ملکوتیه و مکاشفات رحمانی و القادات سبوحی همین مراقبت که رمز آن را توحید صمدی قرآنی تشکیل می دهد .

۸- ارب مع الله تعالی در هر حال

۹- عزلت که سلامت در عزلت است . با خلق باش و نباش یعنی با همه باش و بی همه باش .

۱۰- تهجد و شب زنده داری

۱۱- تفکر در نظام خلقت عالم و آدم

۱۲- ذکر الله در همه حال قلباً و لساناً

۱۳- ریاضت در طریق علم و عمل بر نهجی که در شریعت محمدیه - ص - مقرر است و بس .
 ۱۴- اقتصاد و میانه روی در مطلق امور حق در عبادت

۱۵- مطلب در دو کلمه است : تنظیم امر خالق ، و شفقت با خلق .
مبسوط این آداب را از رساله لقاء الله حضرتش باید طلب نمود . فراجع .
مراتب فکر و سیر و انشاء

در تحصیل علوم آن که بطبیعی است فکر است که عقل نظری است ، و آن که
سریع است حدیس است که انتقال دفعی است ؛ و در مکاشفات
آن که بطبیعی است سلوک است و آن که سریع است جزیه است ؛ و
در ایجاد و ابداع و انشاء آن که بطبیعی است همت است که «العارف
یخلق بهمهته» و آن که سریع است امر است .

پس سعی کن که اول اهل فکر سپس صاحب حدیث ، بعد آن صاحب
سلوک و تا به جزیه برسی و بعد از آن اهل همت شوی تا در نهایت
صاحب الامر شوی که به محضر مُحَضَّر حضرت صاحب الامر و الزمان
و العصر و السیف که خاتم الایاء علی الاطلاق است تشریف
حاصل نمائی . اقرء و ارقه . از تو حرکت از خدا برکت . تا یار که
را خواهد و میلش به که باشد .

طهارت در همه مراتب را بدان نحوی که در طهارت مضبوط است را حفظ
و مداومت داشته باش که خواجه کائنات ، خاتم انبیاء فرمود بر طهارت
مداومت داشته باش که روزی و رزق تو وسعت یابد .
نکته : در انتخاب استاد عجله نکن و هانگونه که نهال منزل و باغت را بدست هر
باغبانی نمی دهی شجره وجودت را نیز بدست هر مدعی نسپار و گرنه مفسدنی
الارض خواهی شد چون مدعیان دروغین ^{جمله} صوفیه و عارف نما و متفلسفین
فلسوف نما و شیخ و پیر و زاهدین و واعظین بی عمل هم معرکه هادارند و بر
اغراض شیطانی دام ها گسترده اند . به امامان معصوم متوسل باش و دل به
کسانی که در طریق عصمت و وحی خویش را ساخته اند بسپار تا حقیقت جانت

را شهره طیبه قرآنی بار آورد که در اصلها ثابت و فرعها توتی اکتها کل حین باذن ربها» و انسانی قرآنی شوی که «لا یمسهم الا المظہرون».

«توحید صدی قرآنی»

اصل اصیل توحید صدی قرآنی را کمان مراقبت و حضور و عنایت تامه «فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر» است در سیر عرفان و تصوف و فلسفه نظری در جان و دل به علم الیقین بلکه به عین الیقین بلکه به حق الیقین بلکه به برد الیقین غرس بنما سپس با عرفان علمی و ریاضات شرعیة الهیه آن را آبیاری کن تا سبز گردد. بدان که مهمترین ذکر همین مراقبت است که مصاحبت با حق وجود صدی «هو الاول والاخر والظاهر والباطن» است که همتین از همتین خومی گیرد.

آثار حضرت مولای مکرم تورا در وصول بدین مرصد آسنی و مقصد علیا بسنده خواهد بود بشرط آنکه دل بدهی و روی حساب و برنامه منظم سیر بنمائی که خدایت شرح صدر عطا فرماید.

عارف واقف به توحید را این آگاهی حاصل است که حق تعالی را از این مظاهر، القادات سبوحی به نفوس مستعده است لذا کثرت او را از لقاء وحدت باطنی دارد.

منتهی ای عزیز حضور تام و مراقبت الربه مقدار سه ساعت زمانی تا تم شود، یافت و گشایش قلب حاصل می شود، و یا حالت جنون دست می دهد، یا منجر به موت می گردد، و هر سه مورد در روایات شواهد دارد مثل قضیه همام بن شریح در نهج البلاغه. پس با مقدمات علمی درست، سفر آغاز بنما که کتله در پیش است و بی همراهی خضر راه هم مباش که راه تاریک و باریک و دور است و راه را امیر کاروانی باید که تا با مراعات و اعتدال، سالک راه را به پیش ببرد.

القای اصلی در عرفان و تصوف؛

حقایق عرفانی و تصوف، اصول و امهاتی ایقانی و ایمانی است که بر محور و لا
 و عصمت نفوس مکتفی می باشد یعنی میزان و معیار صحت و سقم این اصول
 ایقانی را منطق عصمت و وحی تشکیل می دهد و این اصول ایقانی باید در
 جان هر انسان سالک طریق الی الله با القاءات صاحب نفس الهی و
 قرآنی بذرافشانی گردد بخصوص آن تخم سعادت ابدی انسانی یعنی همان
 توحید صمدی قرآنی که بذر البذور هم معارف حقّه الهیه است و بادستورات
 و ریاضات شرعی آبیاری گردد، آنگاه منتظر ماند تا ببینیم از جدول
 وجودی هر فردی که همان سرّ وجودی و اسم اعظم آن شخص است
 چه نحوه سبزی می شود و ظهور می یابد، پس از آن هر کسی مهمان سفره
 خود است که هر کسی زرع و زارع و بذر و مزرعه خود است که «الدنیا
 مزرعه الآخرة» است. پس عرفان حافظ غیر از عرفان و تصوف
 سعدی و سنائی و عطار و مولوی و شمس و ورنیست بلکه بعد از
 افشاندن آن بذر اصول ایقانی بمطابق سعی هر فردی هر کدامشان
 بیک نحوی در خویش جلوه ای خاص یافته اند مثل اینکه آفتاب و
 آب و خاک و هوا یکی است ولی جداول قابلها در نحوه ظهور آنچه را
 که گرفته اند بمطابق سرّ خود یکی انار شد، دیگری انجیر، سومی
 انگور، چهارمی نارنج، پنجمی لیمو و ورنیست که هر یک را طعم و شکل و رنگ
 و مزه و ریگر اوصاف خاص است. و خلاصه قرآن یکی است و قاریان
 را جداول وجودی قابلی متعدد است که هر کسی طوری می گیرد منتهی
 همه این گرفته ها باید با کشف جدول وجودی انسان کامل معصوم و
 صاحب نفس مکتفی سنجیده شود تا صحیح آن از ناصحیح و القاءات

سبوحی رحانی آن از دسوسه های شیطانی و ابلیسی و هم و قوه متخلیه و
 مصوره که بزرگترین رهن عقل ناصع و خالص در تلقی وحی و الهام
 و مغیبات است جدا گردد و حق از باطل تمیز یابد، لذا هر مکاشفه
 و اطلاع بر مغیبات از هر فری نه برای خود او و حجت است و نه برای
 غیر او مگر آنکه یا شخص خودش معصوم و صاحب مکتفی باشد
 مثل انبیاء و امامان علیهم السلام، و یا اگر معصوم نیست در مسیر
 آنان و منطق وحی قرآنی که کشف تام و اتم محمدی - ص - است
 بر اساس طهارت قرار داشته باشد و مکاشفاتش را با مکاشفات
 معصومین هماهنگ نماید.

پس قوه متخلیه همانگونه که در مسیر علم فکری رهزنی می کند لذا یافته
 علم فکری را باید با قواعد برهانی منطقی سنجش نمود، در مسیر
 سیر عرفان و تصوف نظری و عملی هم در شخص رهزنی می کند و
 گاهی یافته های آنسوی او را که می خواهد در قوه خیال و حس
 مشترك مشهور گردد آلوده و مشوب می سازد که نیاز به ترازوی
 سنجش دارد و ترازوی آن قرآن و عترت و عصمت است. پس
 عارف حقیقی و صوفی صافی آنست که بر محور ولایت و عصمت
 انسان های معصوم و وحی منزل الهی ^{طی} طریق می نماید، و از هر چه
 خلاف شرع مقدس است در همه طول عمر پرهیز می کند؛ البته
 در هیچ مرتبه ای از مراتب نیز متوقف نمی شود و علی الدوام
 می خواند و بالا می رود و شکر نعمت ولایت را که کتمان است بجا
 می آورد و مطلقا چراغ عقل خالص را روشن در فراراه خود قرار می دهد.

دورهٔ درسی تفسیر قرآن :

سزاوار است طلاب علوم دینی را که در تفسیر قرآن کریم ابتداءً در چند کتاب تفسیری سیری نمایند :

۱- ترکیب ابوالبقاد « در إملاء ما من به الرحمن »

۲- البیان فی إعراب القرآن ، دو مجلد ، از ابوالبقاد

۳- روح الجنان ابوالفتوح رازی ، تفسیر جلالین و بیضاوی .

۴- نثر طوبی علامه ذوالفقون شعرانی .

۵- مجمع البیان امین الاسلام طبرسی .

۶- المیزان علامه طباطبائی

۷- بیان السعادة مرحوم گنابادی

۸- تفسیر صافی ، نور الثقلین ، و تفسیر روایتی دیگر

۹- تفسیر عرفانی

تا در تفسیر انفسی قرآن کریم ، اصول ایقانی قرآنی در نهادشان بیار بنشینند و آیات و سوره و کلمات و حروف این کتاب صمد الهی در جدول و جوری شان تجلی یابد که خود قرآن صعوری شوند، و همه واردات آنسویی را از جدول و جوری حضرت خانم (ص) که بزرگترین کانال متصل به دریای و جوری حق صمد است و معنون به صاحب مقام محمود است، تلقی نمایند که « إِنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى » در حق این بنیهٔ محمدیه (ص) که متحد با صادر اول در قوس صعوری است یعنی حقیقت لیلۃ القدر محمدیه (ص) نازل شده است و اوست که مأمور به « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ » است .
فافهم

سیر درسی برای دانشجویان و مشتاقان از نفوس مستفده :

بانصب العین قرار دادن حدیث شریف و عرشى حضرت وصی و ولی نبی
یعنی امام امیرالمؤمنین علیّ عالی اعلی علیه السلام که فرمود :

« مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ »

راه معرفت نفس ناطقه خویش را در پیش بگیرند و در صحف نوریه حضرت
مولای مکرّم غواصی نمایند که خود بیش از نیم قرن از جدول وجودی
خود در بحر وجود صمدی غواصی نموده است و ذرّ ذی قیمت را به نظم
و نثر در آورده است . برای مقدمه و رورده این صحف نوریه مقداری بارساله
طهارت و ادب مع اللّٰه که در جلد دوم ماکثر آثار و نور علی نور آمده است مکتور
شوید سپس این سیر درسی را دنبال بفرمائید !

۱- دروس معرفت نفس

۲- گنجینه گوهر روان

۳- اتحاد عاقل بمعقول

۴- شرح العیون فی شرح العیون

۵- ممدّ الهمم فی شرح فصوص الحکم

البته در موضوعات مختلف می توانند به تناسب موضوعات مورد نیاز
به کتب مربوطه دیگر حضرتش مراجعه نمایند .
مثلاً پیرامون علم و دین ، به رساله علم و دین حضرتش و شرح آن از این کمترین
مراجعه نمایند .

در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه به « نهج الولاية » و شرح آن .
در مورد انسا کامل به « انسا کامل از ریزگاه نهج » و « شرح فص فاطمیه » و شرح آن

در سیر علمی بعد سیر علمی (که از عزیزان مشتاق استدعا دارم بدون سیر علمی مذکور که خود بهترین سیر علمی و ریاضت الهی است بجز ننگند و بسوی سیر و سلوک علمی نروند بخصوص جوانان عزیز مشتاق که حتماً در وهله اول سیر علمی کنند سپس به سیر علمی بپردازند که عجله کردن و زور بسوی دستورالعملها رفتن موجب گرفتارها برای خود و دیگران شدن است) به این کتابهای حضرتش رو آورند

۱- رساله زبرجدیه حول صحیفه سجاریه

۲- انسان در عرف عرفان

۳- نور علی نور در ذکر و زاکر و مذکور

۴- نامه ها برنامه ها

الحمد لله این کمترین را توفیق شرح این صحف نوریه مذکور و دیگر رسائل حضرتش در بیش از پنجاه موضوع شریف حاصل و روزی شده است که ذکر می گردد

در دروس حوزوی : ۱- تدریس منطق کبری و منطق منظومه

۲- تدریس کشف المراد . ۳- تدریس بدایه و نهایه الحکمة

۳- قسمت حکمت منظومه در چهار جلد با تعلیقات حضرتش (بجز جلد ۴)

۴ شروع به تدریس اسفار ۵- تدریس نفس شفا

اما شروح بر رسائل و کتب مولایم

۱- شرح دفتر دل ۲- شرح فصیده ینبوع الحیوة (ناقص) و ترجمه

۳- رساله انسان در عرف عرفان ۴- شرح بسم الله الرحمن الرحیم

۵- شرح فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه ۶- شرح نهج الولاية

۷- شرح انسان کامل از ریذگاه نهج البلاغه ۸- شرح رساله رتق و فتق که

مباحثه آن بسیار مورد سفارش خواهد بود . ۹- شرح رساله زبرجدیه

- ۱۸
- ۱- شرح دوره کامل دروس معرفت ^{نفس} . ۱۱ - شرح کنجینه گوهر روان که ادامه دارد
 - ۱۲ - شرح گوشه ای از رساله لقاد الله ۱۳ - شرح عیون و شرح عیون
 - مسائل نفس ۱۴ - شرح مراتب طهارت . ۱۵ - پیرامون حضور و مراقبت . ۱۶ - شرح رساله نور علی نور که ناقص است . ۱۷ - پیرامون انسان و قرآن ۱۸۲ - شرح رساله قرآن و عرفان و برهان از مبدائی ندارند (ناقص)
 - ۱۹ - شرح رساله صد کلمه در معرفت نفس ...

عزیزان برنامه ۱- انجام واجبات ، ۲- ترک محرمات ، ۳- کسب حلال راه گز فراموش نمی کنند و در همه امور راه اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط را در پیش بگیرند، و با اخلاق اسلامی که در کتب اخلاقی مثل معراج السعاده و جامع السعادات و طهارة الاعراق و اربعین شیخ بهائی و ارشاد القلوب ^{ست} و با سعه و شرح صدر باشند تا طی طریق نمایند.

اشعائر اسلامی را حفظ کنند و خانمهای گرامی با پوشش و حجاب قرآنی که همان چادر است باشند و با اجازه شوهر از منزل بیرون روند و در اجتماع و درسها حاضر شوند، و آقایان هم با چهره اسلامی بخصوص محاسن و با مراعات حداقل دستور شرعی باشند که به چهره پیغمبر و آل اطهرش باشند که ظاهر و باطن خود را بمطابق ظاهر و باطن دین خدای تعالی فرار دهند و بدانند که دین خدا ناموس خداست و حرمت ناموس الهی را نگهدار باشند، و در همه مراتب و شؤون به دین خدای متعال ملتزم باشند و التزام عملی به شرع انور محمدی (ص) داشته که حضرتش تشریعیات را در مقام لایق فوق طور عقل از ملاقات با حق تعالی که جاعل تشریح و صاحب ولایت تشریحیه است گرفته است که عقل عاری بشر را بدون بیان وحی به فهم اسرار شرع مقدس راه نیست زیرا که بر پیشانی بشر مهر

« وما اوتیتکم من العلم الا قليلاً » خورده است که مهر تعبیر در جان انسان
 دارای فطرت پاک نهاده است اگرچه عقل ناصع وی را برای اغتدای از
 سفره پرفائده سیر در معقولات عالم و آرم نیز دعوت نموده است .
 لذا وی را امر به خواندن و قرائت نمود که قرائت را مراتب است پس اقرار و اقره
 با سلسله دروس پیشنهاد شده در این کراسه مطلوب شما در انسان شدن
 و وصول به درجات عالیه علم و عمل حاصل می گردد بشرط آنکه بدون
 عجله و با سعه صدر و دید خوش بینی به علوم و معارف الهیه بخصوص
 صحف نوریه عرفانیه و عقلیه که تفاسیر انفسی و زبان برهان قرآند
 راه الهی را طی کنی و از آنچه که عوام الناس و عوام علمای استاد ندیده
 و کتل طی نکرده می گویند اعراض نمایی که رهن بدی است چه اینکه به
 آنچه هم که بنام تصوف و عرفان و فلسفه، از جمله صوفیه و عارفان
 دروغین و متفلسفین صادر می شود بر حذر باشی که آن راه افراط
 است و این راه تقریبط .

بیا و راه خالص علامه حلی ها و شیخ مفید و خواجه طوسی ها و ملاحینقلی
 هدانی و حاج میرزا علی آقایی قاضی ها و ملا صدراها و حاجی سبزواری
 و علامه شعرانی و علامه طباطبائی ها و حضرت امام و آیه الله براء الدینی
 و عارف کامل کشمیری ها و معلم عصر ذوالفنون جامع سلف صالح
 یعنی مولای مکرّم علامه حسن زاده ها را در پیش بگیر که به میزان
 ثقل اکبر و عنرت عصمت و وحی علیهم السلام است . پس دل
 به دلدار ده تا کامروا گردی . انشاء الله تعالی شأنه

روز چهارشنبه ۸۲/۳/۲۱ برابر با دهم ربیع الثانی ۱۴۲۴ یوم الوفات

حضرت معصومه سلام الله علیها - شهرک محلاتی - تهران -
 داود صمدی آملی

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حامل اسرار

راهنمای طلاب علوم دینی و مشتاقان عالم انوار^ن

در سیر علمی و عملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَشْهَدُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ
عَصَمَةَ اللَّهِ الْكَبِيرِ وَحِجَّةَ اللَّهِ
عَلَى الْحُجَجِ